



تدبّر بدون ولایت فایده ندارد!

آیت الله قرهی گفت: تأمل و تدبّر در قرآن، بدون ولایت به وجود نمی‌آید. «فمن تبع هداى» این هداى، امیرالمؤمنین است کسی که از امیرالمؤمنین تبعیت کند خوفی ندارد.

آیت الله قرهی گفت: تأمل و تدبّر در قرآن، بدون ولایت به وجود نمی‌آید. «فمن تبع هداى» این هداى، امیرالمؤمنین است کسی که از امیرالمؤمنین تبعیت کند خوفی ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، تفسیر قرآن آیت الله قرهی با موضوع «مبارزه دشمن با قرآنی که ولایت از آن، استخراج می‌شود» در پی می‌آید.

صوت زیبای قرآن انسان متقی، خشیت‌آور است

«لما سئل عن مولانا و سیّدنا و نبیّنا محمد المصطفی (ص) عن أحسن الناس صوتًا بالقرآن، قال: مَنْ إِذَا سَمِعْتَهُ يَقْرَأُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ تَعَالَى»، پیغمبر اکرم محمد مصطفی (ص) در پاسخ این سؤال که چه کسی، از همه مردم، خوش صداتر است، فرمودند: آن کسی که وقتی قرآن را قرائت می‌کند، ترس و خشیت از خدا را در خود او می‌بینیم. «أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ» یعنی به درستی که او از خدا می‌ترسد. لذا قاری قرآن باید این خصوصیت را داشته باشد.

چون خود صوت قرآن، نیکو و خیلی عالی است. حتی پیامبر (ص) فرمودند: «إِنَّ حُسْنَ الصَّوْتِ زِينَةُ الْقُرْآنِ» صوت خوش، زینت و زیور قرآن است. منتها در روایت ابتدایی که بیان کردیم، فرمودند: آن کسی خوش‌تر می‌خواند که هنگام خواندن قرآن خشیت از خدا را در مرحله اول در وجود خود او ببینیم، لذا این مطلب، یکی از آن نکات مهم است.

و باز پیامبر (ص) فرمودند: «إِنَّ مَنْ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ» از جمله کسانی که خوش‌ترین صدا را نسبت به قرآن دارند، «الَّذِي إِذَا سَمِعْتُمُوهُ يَقْرَأُ، حَسِبْتُمُوهُ يَخْشَى اللَّهَ»، کسانی هستند که هر وقت از آنان، قرآن را می‌شنوی، حس می‌کنی که ترس و خشیت از خدا در وجود آن‌هاست و از خدا می‌ترسند. این نکته بسیار مهمی است.

چون ماه حزن و ماه اسارت اهل بیت هست، حیف است این روایت را نگویم. معمولاً یک روایت کوتاه می‌گوییم که به تفسیر برسیم اما امشب به خاطر محرم، استثناء است. وجود مقدّس حضرت صادق القول و الفعل، امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ» حضرت سجّاد، زین العابدین، امام العارفین (ع)، از همه مردم، قرآن را خوش‌تر می‌خواند. حضرت ادامه می‌دهند: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ وَ كَانَ السَّقَاوُونَ يَمْرُونَ فَيَقْفُونَ بِيَابِهِ يَسْمَعُونَ قِرَائَتَهُ» افراد سقا همواره به هنگام عبور، بر در خانه‌اش می‌ایستادند و به قرائت او گوش می‌دادند. یعنی از بس صوت آقا زین العابدین، زیبا و لحنشان، ملکوتی بود که باعث توقف آن‌ها می‌شد، قرائت را گوش می‌دادند و شغل و کار خود را فراموش می‌کردند. از بس صوت حضرت زیبا بود، یادشان می‌رفت که کاری دارند.

لذا اصلاً خود صوت زیبا من ناحیه الله تبارک و تعالی است و کسی هم که لحنش، لحن گیرایی باشد، از باب تقوای اوست. این هم در مرحله اولی برای انبیاء و رأس آن‌ها حضرات معصومین از باب عصمت است. اصلاً چون این‌ها در عصمت هستند، به خصوص معصومین که در عصمت کامله هستند، خوش صدا هستند و لحنشان، گیرا و اثرگذار است و بعد هم اهل تقوا که به عنوان اصفیاء و اولیاء و خلفای انبیاء محسوب می‌شوند. چون همه انبیاء هم من ناحیه الله، خوش صدا بودند.

از وجود مقدّس امام صادق (ع) است که فرمودند: «مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا حَسَنَ الصَّوْتِ» خدا هیچ نبی‌ای را مبعوث نکرد إِلَّا این که صدای خوش و گیرایی داشت. این جذبه عصمت است. بالاخره نبی باید جذبه داشته باشد. یکی از جذبه‌ها، صوت است و در باب تقوا هم این عالی‌تر می‌شود. طوری که می‌بینیم امام العارفین، زین العابدین که تحمل آن مصائب را داشتند، أحسن الناس صوتًا بالقرآن بودند.

سخنی که کهنه نمی‌شود؛ علت دشمنی با قرآن

در قرآن، همه چیز، از علم اول و آخر، هست، قرآن هر اندازه هم تکرار شود و به گوش بخورد، کهنه نمی‌شود. امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) فرمودند: «لَا تُخْلِفُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَ وُجُوحُ السَّمْعِ» هر چقدر هم قرآن تکرار شود و به گوش بخورد، کهنه نمی‌شود.

شود. یکی از اعجاز قرآن، این است. انسان از همه چیز خسته می شود، اگر هر چیزی دو بار و سه بار خوانده شود، دیگر خسته کننده می شود، اما از قرآن خسته نمی شود، چرا که همه چیز در قرآن هست، قرآن دوا، علم و بهترین اندرزهاست. قرآن پیشوا و رحمت است. در قرآن، علم اولین و آخرین نهفته شده و همه این ها در قرآن هست.

شاید به خاطر همین است که یک عده می خواهند با قرآن مبارزه کنند. مثلاً می بینیم گاهی حوادثی اتفاق می افتد که با این که اصلاً معلوم نیست وجود خارجی دارد یا ندارد و کسی چنین چیزی را تأیید کرده یا نکرده، مدام در همه جا بیان می کنند. این ها برای این است که می خواهند با قرآن، مبارزه و مخالفت کنند، نه با شخص. طوری که می بینیم آن طرف هم یک ساعت فیلم می سازند، برنامه مستند درست می کنند و راجع به یک قاری قرآن و کسی که صوت خوبی دارد و اثرگذار بوده این طور صحبت می کنند. در حالی که اصلاً معلوم نیست چنین چیزی موجودیت داشته یا نداشته است. لذا این هم یکی از آن نکات بسیار مهم است که معلوم می شود یک عده می خواهند با قرآن مبارزه می کنند.

البته همه باید مواظبت کنند چه آن ها که خوش صدا هستند، چه دیگران. مراقب باشیم غفلت نکنیم. چون اگر در این جایگاه، یک لحظه غفلت کنیم، دیگر به فرد بر نمی گردد، به قرآن بر می گردد و این ها شروع به حمله کردن به قرآن می کنند. چون عرض کردیم در قرآن همه چیز هست، حتی فرمودند: قرآن، مایه ی نظم و سامان شماست و همه چیز دارد.

قرآن؛ علم بی انتها و دواء دردها و نظم امور

باز این روایت را محضر مبارکتان عرض کنم که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ» این قرآن که در درست من و شما هست، سخنان گذشته و علوم مربوط به آینده را دارد. چون پیامبر (ص) هم فرمودند: «من أراد علم الأولين و الآخرين» هر که اراده کرده و خواهان این است که علم اولین و آخرین را به دست بیاورد، «فليثور القرآن» در قرآن، غور و کند و کاو کند. امیرالمؤمنین هم می فرمایند: علمی که در آینده می آید در این قرآن است. ألا تنبيهیه است، هشدار می دهد که بدانید غیر از این نیست. إِنَّ هم تحقیقیّه است. ألا بر سر این آمده؛ یعنی غیر از این نیست و این، دیگر یقینی است که هم سخن از گذشتگان می گوید، هم دواء درد شما در این قرآن است و هم این نظم و ساماندهی امورتان در آن هست.

لذا در این قرآن، همه چیز هست. اتفاقاً بزرگان، از جمله، ابن سینا، شیخ الرئیس می فرمایند: یکی از دلایل حروف مقطعه قرآن، همین است که خدا می خواهد بگوید: در حرف قرآن، علم است. امام صادق (ع) فرمایشی بسیار عالی دارند، فرمودند: «فيه خبركم و خبر من قبلكم و خبر من بعدكم و خبر السماء و الارض و لو عطاكم من يخبركم عن ذلك لتعجبتم» اخبار مربوط به شما و اخبار مربوط به آینده و سخن گذشتگان و هر آن چه در آسمان و زمین هست، در این قرآن هست و اگر کسی پیش شما بیاید و از این مطالب و از این که حال شما چه می شود - که همه در قرآن هست - خبر بدهد، تعجب می کنید.

آینده و گذشته و ...، همه با هم سلسله است، دنیا این طور است، سلسله ای دارد تا تمام شود. همه برای شماست، اگر یک نفر پیدا شود که شما را از این مطالب، آگاه کند، شما متعجب می شوید. قرآن این طور است و همه چیز در این قرآن هست.

لذا به خاطر همین، عده ای با قرآن، مبارزه می کنند و گاهی می بینیم که این طور شلوغش می کنند و بعد هم تازه می بینیم مبارزه با مروجین قرآن هم شکل می گیرد. در آن فیلم یک ساعته به آن قاری محترم، آن طور هجمه کردند و بعد هم سایت ها و شبکه های دیگر هم جنجال هایی به پا کردند. اول و آخرش هم می گویند: قاری محبوب رهبر انقلاب! لذا این ها هدفمند دارند این کار را می کنند. به خصوص که آقا این مدت راجع به ترویج قرآن خیلی صحبت کردند.

بنده هم به عنوان یک طلبه ی کوچک بیان کردم که سربازان آقا جان، امام زمان، حافظان کل قرآنند و عرض کردم شما هم برای حفظ قرآن جلو بروید و ولو شده روزی یک آیه حفظ کنید (فقط روزی یک آیه، دو آیه هم نمی گویم). اگر این را از آن زمانی که بنده گفتم، انجام داده بودید، الان سه جزء و چهار جزء حفظ شده بودید. اگر انسان دو، سه جزء حفظ شود، اصلاً راه می افتد. عنایت قرآن این است که انسان را راه می اندازد، عجیب هم راه می اندازد. ما هم بحث ترویج قرآن را الحمدلله به همت عزیز دلم، حاج آقای هادیان در دارالقرآن حوزه شروع کردیم. ایشان، خودشان حافظ کل قرآن هستند و بحث تدبر در قرآن را کار کردند و الحمدلله فهم و خوش فکر و کوشا و پرتلاش هستند و دوره های حفظ و قرائت و ... تحت نظر ایشان آغاز شده است.

دشمن دنبال این است که قرآن را از ما بگیرد که اگر قرآن را از ما بگیرد، همه چیز را از ما گرفته است. لذا به نظر ما حمله ای که این ها دارند می کنند، حمله به یک فرد و یک شخص نیست، این ها حساب شده دارند کار می کنند، شخص برایشان ملاک نیست، می خواهند ما را از قرآن دور کنند.

این نکته را هم بگویم، بعضی می‌گویند: اگر مثلاً برای خوانندگان کنسرت و ... چنین مطلبی اتفاق افتاده بود، علما سر و صدا می‌کردند، اما حالا که چنین اتفاقی رخ داده، خاموشند! باید این‌گونه جواب داد: اولاً در آن مقوله چنین مواردی بوده و تا انجام نشود، علماء مطلبی بیان نمی‌کنند. لذا وقتی چنین کارهایی انجام می‌شود و اختلاط و خیلی از کارهای دیگر پیش می‌آید، می‌خواهید صدای آقایان درنیاید و سکوت کنند و بگذارند هر طوری برگزار شد، باشد؟! آقایان که با آن موسیقی‌هایی که صحیح و سالم است، مخالفت نکردند. این‌ها از اول انقلاب هم بوده، کدام یک از علماء مخالفت کردند؟! واقعاً اگر موسیقی‌ها، خوب بوده، هیچ اشکالی نگرفتند. البته خیلی هم کسی را، تشویق و ترغیب نمی‌کنند، چون دأب علماء این نیست، اما این طور هم نیست که اشکال گرفته باشند. خیلی جاها، از جمله در تالار فرهنگ و تالار شهر و جاهای دیگر، برگزار شده، دوران جنگ هم برگزار می‌شد، بعد جنگ هم برگزار می‌شد، کسی مخالفت نمی‌کرد. وقتی فسق و فجور و حالاتی پیش بیاید که یله و رها شده باشند، آن موقع آقایان علماء، اعظم و مراجع تقلید اعتراض می‌کنند.

اما یک عده از بس نامرد هستند، اولین کاری که می‌کنند، به سخره گرفتن است. به جای این که جواب منطقی بدهند، مسخره می‌کنند. در حالی که این به سخره گفتن دیگران، روش نفاق و منافقانه است. تا مراجع عظام و هر کسی، کوچکترین مخالفتی با این افکار پلید فسق و فجور داشته باشد، این‌ها شروع به سخره گرفتن می‌کنند. البته علما هم از این چیزها هراسی ندارند، چون آن‌ها برای خدا کار می‌کنند، اما من دارم نامردی طرف مقابل را عرض می‌کنم که به جای این که منطقی بحث کنند که دلیلش چیست، چنین می‌کنند و خودشان هم می‌دانند حقیقت چیست.

چون بعضی از این‌ها می‌خواهند از این طریق به فسق و فجور برسند. نمی‌خواهند فقط یک مجلس شعر و موسیقی که صحیح است و به سبک‌های غربی و اختلاط نیست، باشد. اتفاقاً می‌خواهند آن را به سمت و سوی دیگری ببرند. لذا معلوم است وقتی می‌بینند علماء مخالفت می‌کنند، شروع به سخره گرفتن و ... می‌کنند. غرض، آن اول انجام می‌شود و بعد آن‌ها مخالفت می‌کنند که چرا این کار را کردید اما این مطلب که هنوز ثابت نشده، چه کسی ثابت کرده و گفته، کدام دادگاه، کدام مسئله و مطلب؟

اتفاقاً ما روایت هم داریم ای بسا قاری هم چنین و چنان باشد - البته من ایشان را عرض نمی‌کنم - اما امکان دارد به دنیا طلبی روی آورد و از قاریان نابکار باشد. پیامبر اکرم، محمد مصطفی(ص) فرمودند: «رُبَّ تَالِي الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ». لذا ای بسا کسانی هم این‌گونه باشند، اما این مطلب هنوز اثبات نشده که کسی بخواهد این حرف را بزند.

اصل مترقی ولایت فقیه دشمن را عاجز کرده است

بعد هم اگر می‌گویند: چرا آقایان اعتراض نمی‌کنند و حالا سکوت کردند، چون قاری محبوب رهبری است و ... باید گفت: معلوم است شما از جای دیگر سوختید. شما از اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه سوختید و می‌بینید که همین اصل مترقی باعث شده که شمای که می‌گفتید بشار اسد حتماً رفتنی است، در سوریه، زمین‌گیر شدید. آن وقت امروز یکی از همین کسانی که در کنگره آمریکاست، گفته: باید بشار اسد را ترور کنیم و راهش فقط همین است که تمام شود. یعنی تا دیروز این‌ها را درست کرده بودید، کل سوریه را تخریب کردید، حالا این‌گونه می‌گویید.

همه آن مملکت زیبا، با خاک یکسان شد و جاهایی که به عنوان مکان‌های تاریخی بود، از بین رفت. سوریه به آن قشنگی و زیبایی را که شبیه لبنان بود، از بین بردید، با عراق هم همین‌طور کردید و دیدید که همه جا زمین‌گیر شدید. یمن که دیگر هیچی ندارد و دائم دارید خاک هایش را می‌کوبید. باز می‌بینید آن‌جا هم زمین‌گیر شدید و می‌دانید همه این‌ها به یک اشاره ولایت فقیه است.

عزیزان! تمام سوختن این‌ها این‌جاست و همه دارند از این می‌سوزند. آن ولایت فقیه که منشأ آن ولایت مولی الموالی، امیرالمؤمنین، اسدالله الغالب، علی بن ابی طالب(ع) است. لذا چون این‌ها سوخته‌اند که باید بیشتر هم بسوزند، چنین مطالبی بیان می‌کنند.

در همین آیه شریفه که این مدّت داریم بحث می‌کنیم، آمده: «فمن تبع هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون». در تفسیر عیاشی است که از وجود مقدّس امام باقر(ع) درباره همین آیه شریفه سؤال شد. حضرت فرمودند: در باطن این، هدایتی نقش دارد، سؤال شد که آن چیست و تفسیرش چیست؟ حضرت فرمودند: «تفسیر الهدی، علی(ع) قال الله فيه فمن تبع هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» تفسیر این هدایت، فقط امیرالمؤمنین است و متابعت او، این اثر را دارد که دیگر نه خوفی هست و نه حزنی. این هم یکی از آن نکات بسیار مهم است.

در این آیه شریفه‌ای که ما چندین جلسه هست راجع به آن بحث می‌کنیم، راجع به هبوط بیان شده است، «قلنا اهبطوا منها جميعا فاما ياتينكم منى هدى فمن تبع هداى فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون». گفتیم که خدا با بیان «اهبطوا» به صورت جمع، اشاره کرده که این هبوط مربوط به همه‌ی ما می‌باشد. هاء در «منها» هم که به جنت برمی‌گردد. بعد پروردگار عالم می‌فرماید: درست است هبوط پیدا کردید، ولی من یله و رهایتان نمی‌کنم و هادی می‌فرستم. لذا خدا از روز نخست برای خودش این طور قرار داده بود، اما از باب اطمینان به انسان این‌طور می‌فرماید: «فاما ياتينكم منى هدى». حالا فرمود: «فمن تبع هداى». حالا این هداى، کیست؟ فرمودند: این هداى، امیرالمؤمنین است.

ولایت باعث هدایت است و ترک آن باعث شقاوت

در تفسیر البرهان، جلد سوم هست که پیغمبر اکرم، محمد مصطفی(ص) فرمودند: «بی انذرتم» به وسیله من، هشدار داده می‌شود. قرآن می‌آید، هشدارتان می‌دهد که مواظبت و مراقبت کنید، «و بعلی ابن ابیطالب (ع) اهتدیتم» و به امیرالمؤمنین هدایت می‌شوید. اصلاً ولایت باعث هدایت است.

جالب است که ادامه‌ی این روایت به این ماه هم می‌خورد که بعد فرمودند: «و بالحسن (ع) أعطیتم الاحسان» و به واسطه امام حسن مجتبی(ع) احسان می‌شوید، یعنی خدا به شما نیکی‌ها را مرحمت می‌کند. «و بالحسین (ع) تسعدون» و به واسطه‌ی ابی‌عبدالله(ع)، خوشبخت و باسعادت می‌شوید.

لذا یکی از راه‌های سعادت، همین محرم و صفر و همین روزه برای ابی‌عبدالله(ع) و مشکی پوشیدن و گریه بر ایشان است.

در ادامه هم می‌فرمایند: و بدون او، حتماً بدبخت می‌شوید؛ یعنی اگر او را نداشته باشید، حتماً شقی و بدبخت می‌شوید. دیدیم که بعضی شقی شدند و مقابل امام ایستادند. حتی ابن زیاد کاری کرد که کسانی هم که آمدند جنگ نکنند و گفتند: ما کاری نداریم، مجبور شوند و به جنگ بروند. همان‌هایی که به ابی‌عبدالله(ع) نامه داده بودند.

من این مطلب را قبلاً عرض کردم و این‌جا کوتاه اشاره کنم. من دهه اول روایت را خواندم، خودتان بروید و مراجعه کنید. امام در روز عاشورا چند خطبه خواندند و چند مرتبه آمدند و صحبت کردند که این‌ها را هم ما داریم و هم اهل جماعت. حضرت در یکی از خطبه‌ها پنج نفر را اسم بردند، گفتند: یا فلان، یا فلان و ... همه را با اسم خودشان بردند و بعد فرمودند: مگر شما نبودید که نامه دادید و دعوت کردید، پس چه شد؟! این‌ها کسانی بودند که وقتی ابن زیاد آمد و گفت: این کاروان که دارند می‌آیند، هیکل‌های آن چنانی دارند زنان را چه می‌کنند و ... - که من این‌ها را در سال‌های گذشته بیان کردم و تاریخ را خواندم - گفتند: اگر این‌ها بیایند، تا سه روز خون و ناموس شما حلال است، مواظب باشید. این ترسوها هم از ترس گفتند: ما نمی‌رویم. بعد هم همین ابن زیاد آمد و این‌ها را به جنگ با ابی‌عبدالله(ع) مجبور کرد و سه تا از آن‌هایی که نامه داده بودند، کشته شدند. ببینید کار به کجا می‌کشد! حبّ الدنیا!

لذا می‌فرمایند: به وسیله اوست که سعادت مند می‌شوید و اگر رعایت نکنید، شقی می‌شوید. «الا و ان الحسین (ع) باب من ابواب الجنة» ابی‌عبدالله(ع) دربی از درب‌های بهشت است، «من عاده حرم الله علیه ریح الجنة» و هر کس با او دشمنی بورزد، اصلاً حرام است که بوی بهشت به مشامش برسد، چه برسد که بخواهد بهشت برود. این نکته بسیار مهمی است.

لذا قرآن می‌فرماید: اگر کسی از هدایت خدا تبعیّت کند، خوف و حزنی ندارد. تبعیّت از هدایت خدا هم تبعیّت از ولایت امیرالمؤمنین و ولایت حضرات معصومین است که امام راحل و عظیم الشانمان هم فرمودند: ولایت فقیه، استمرار ولایت رسول الله(ص) است.

لذا تمام این دشمنی‌ها برای همین ولایت است. چون هرچه دیدند، از این‌جا دیدند. شما نگاه کنید در لبنان هرچه دیدند، از همین بود. لبنانی که یک روز بیروتش را هم گرفته بودند و همه اعراب هم تسلیم صهیونیسم جهانی، اسرائیل ملعون و یهود بودند، اما امروز کار را به یک باریکه غزه رساندند و دشمن دیگر بیش از آن، نمی‌تواند تصرف کند. همه‌ی این‌ها را هم از شیعه و ولایت می‌بینند. همان باریکه غزه را هم خیلی نمی‌شود بیان کرد، آن‌جا چه کردند، چه کسانی بودند و چقدر آن‌جا شیعه و محبّ اهل بیت به وجود آمدند و چقدر هستند، اتفاقاً آن‌ها باعث شدند. همه این‌ها برای همین است.

لذا هر کس از این ولایت تبعیّت کند «فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون». امام باقر(ع) فرمودند: این هدایت، ولایت امیرالمؤمنین است و هر کس از او تبعیّت کند، دیگر خوف و حزن ندارد.

این هم بحث روایی بود و نکات دیگری هم هست که فرصت نشد.

لذا عزیزان! آن‌ها از قرآن و قرآن‌شناسان حقیقی یعنی اهل ولایت، ولایت امیرالمؤمنین می‌ترسند و إلا الان در مکه هم یک عده دارند قرآن می‌خوانند، تازه پایشان را هم دراز می‌کنند و قرآن را روی آن قرار می‌دهند و تند تند قرآن می‌خوانند.

از آداب تلاوت قرآن...

اتفاقاً روایت هم داریم - منتها فرصت نیست، اگر شد وقت دیگری می‌خوانم - که فرمودند: سعی کنید قرآن را در سی روز بخوانید. قرآن را در سه روز نخوانید، غیر از ماه مبارک رمضان. سؤال شد: چرا؟ حضرت فرمودند که تأمل و تدبّر در قرآن کنید که چه می‌خوانید؛ چون قرآن راه زندگی است. قرآن را همین طور تند تند نخوانید. حتی ابن عباس می‌گوید که به پیامبر بیان کردم که من سه روزه بخوانم؟ حضرت فرمودند: نه. گفتم: ده روزه بخوانم؟ حضرت فرمودند: نه. گفتم: بیست روزه بخوانم؟ حضرت فرمودند: کمتر از این نخوان و سعی کن حق تلاوت قرآن را رعایت کنی و طوری نباشد که تند تند قرآن را بخوانی. قرآن را سعی کن آرام و با تأمل در قرآن بخوانی. این نکاتی است که نشان می‌دهد باید مواظب باشیم تندتند نخوانیم و در قرآن، تأمل کنیم.

لذا این‌ها از همین قرآن می‌ترسند. از قرآنی که از ولایت بیرون می‌آید، نه قرآنی که دیگران می‌خوانند. نابکاران هم که حضرت می‌فرمایند، شاید همان وهابیت ملعون باشند که به ظاهر قرآن هم می‌خوانند. لذا فرمودند که باید با آرامش و طمأنینه قرآن خوانده شود و این قرآن، قرآنی است که ولایت در آن باشد. قرآن بدون ولایت، معنا ندارد و إلا همین طور هرچه خواستی قرآن بخوان، آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها هم کاری ندارند، در مدینه هم دارند تند تند قرآن می‌خوانند. إن شاء الله با نابودی آل سعود، این آل یهود، راه مکه و مدینه باز شود و بروید، آن جا می‌بینید که قرآن می‌خوانند و بعد همان جا دراز می‌کشند و می‌خوابند، بعد دوباره بلند می‌شود و بدون این که وضویی بگیرد، باز قرآن و نماز می‌خوانند. اصلاً نمی‌فهمند چه می‌خوانند، فقط دلشان خوش است که تند تند دارند، قرآن می‌خوانند، بدون این که در آن تأمل و تدبّری کنند. اصلاً این آیات الهی برای چه آمده، چه کار دارد؟ فقط بخوانیم که ثواب ببریم؟! خدای حکیم می‌گوید یک چیزی آوردم که فقط شما بخوانید و ثواب ببرید؟! این که دور از حکمت و علم است!

تدبّر بدون ولایت فایده ندارد!

اتفاقاً ثواب قرائت هم برای همین است که من و شما را ترغیب کنند که برویم و در آن تأمل و تدبّر کنیم. این تأمل و تدبّر خیلی مهم است و این را بگویم که حتی این تأمل و تدبّر در قرآن، بدون ولایت به وجود نمی‌آید. «فمن تبع هدای» این هدای، امیرالمؤمنین است، کسی که از امیرالمؤمنین تبعیت کند، خوفی ندارد. پیامبر فرمود من اندازم اما هدایت را امیرالمؤمنین می‌دهد و هدایت در تبعیت از ولایت است.

بیان کردم که فرمودند: حبّ ابی‌عبدالله، باب من ابواب الجنة است. لذا در انتهای بحثمان، یک سلام به حضرت بدهیم. ما نمی‌دانیم این سلام‌ها و این زیارات و اشک‌ها چه ثوابی دارد!

قبلاً هم گفتم اما بعضی از چیزها را از باب تذکار هرچه بگویم، کهنه نمی‌شود. عنایت ابی‌عبدالله(ع) در آن دنیا به آیت‌الله العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی به خاطر سلام‌های آخر بحثشان را شنیدیم. من به آیت‌الله مولوی قندهاری بیان کردم: ما این را قبلاً شنیده بودیم. ایشان فرمودند: آن کسی که شنیده بودید، خودم بودم. شنیده بودیم که وقتی آیت‌الله العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی از دنیا رفت، در عالم رؤیا ایشان را دیده بودند - که آیت‌الله مولوی قندهاری دیده بودند - و آقا فرموده بودند: خیلی سخت است، سؤال‌های عجیبی می‌کنند.

آیت‌الله مولوی قندهاری فرمودند: تعجب کردم، گفتم: از شما؟! ایشان فرمودند: آشیخ محمد حسن! هر کس مسئولیتش بیشتر است، از او بیشتر سؤال می‌کنند. مرجع تقلید که مسئولیتش بیشتر است، بیشتر سؤال و جوابش می‌کنند.

شاید یک دلیل که از ایشان خیلی سؤال و جواب کردند همین است. چون ایشان از امام زمان هم توقیع دارد و مرجع یکه تاز است.

فرمودند: خیلی پرسیدند و اصلاً هم مرا با عنوانی خطاب نمی‌کردند، از آیت‌الله العظمی و نائب امام زمان و ...، هیچ خبری نبود. فقط مأمور گذاشته بودند و می‌گفتند: ابوالحسن بگو این چه شد و ... ایشان فرمودند: خیلی ترسناک بود. من جواب می‌دادم، بعضی را اشکال می‌گرفتند که پس این جایش چه بوده، چرا آن جا آن طور بوده و ...، خیلی طولانی بود. می‌فرمودند: آن جا پرونده‌ای هم داشتم و خیلی بر من سخت می‌گذشت. یک موقع دیدم یک ورقه خیلی کوچکی از نور آمد و دست این مأمور دادند. گفت: جمعش کنید. گفتند: چیست؟ این جا بود که فقط لفظ سید را به آقا دادند. گفتند: ابی‌عبدالله(ع) فرمود: آسید

ابوالحسن ما را رها کنید، این در آخر درس هایش به ما سلام می‌داده است.

می‌گویند: عادت آسید ابوالحسن اصفهانی این بوده که در انتهای درس‌هایش می‌گفته: «السلام علیک یا ابا عبدالله (ع)».

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی هم فرمودند: این دستمالی را که من یک عمر، بیش از هفتاد سال با آن گریه کردم را همراه من دفن کنید. جنازه من را درحسینیه‌ام بیاورید و یک سر عمامه‌ام را به منبر و یک سرش را به تابوت ببندید و روضه وداع بخوانید، زیارت ابی‌عبدالله بخوانید.

مراجع به آن بزرگی و با عظمتی می‌دانند همه چیز حسین است. باب من ابواب الجنة.

لذا فقط اخلاص، فقط برای خدا بخوانیم، قرهی برای خدا بگویند، شما برای خدا بشنوید، برای خدا، برای حبّ به اهل بیت. برای نزدیک شدن به اهل بیت.

چون اگر هزار کتاب هم خوانده باشیم، باز هیچ است. البته نعوذ بالله یک موقع تشویق به آن سمت نشود. اسلام بسیار ما را به علم تشویق کرده «اطلبوا العلم من المهد الی الحد» و قرآن هم فرموده: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»، «والذین اتوا العلم درجات» و ... اما واقعاً انسان می‌بیند که همه چیز، حبّ اهل بیت است، لذا انسان در آن جا می‌گوید: ای کاش جاهل بودم، اما فقط من را روضه‌خوان و سلام‌ده و گریه‌کن برای ابی‌عبدالله یادداشت و ثبت و ضبط می‌کردند. عرض کردم، اشتباه نشود، کسی با علم مخالف نیست، اما می‌خواهم بگویم، این قدر این بحث، عظمت دارد.